

اصلاح طلبان نمی‌دانستند زیر پوست شهر و جامعه چه می‌گذرد؛ معترضان دی ماه نمی‌گفتند ما آزادی می‌خواهیم یا سهم در قدرت را طلب نکردند. می‌گفتند حقوق معوق ما را بدهید.

اصلاح طلبان پفکی به هر قیمتی در توجیه وضع موجود برمی‌آیند؛



می‌گویند سهمی از اشتباهات شورای شهر اول تهران را می‌پذیریم، اما مشروط بر اینکه همه، اشتباهات خود را بپذیرند. این صحبت ابراهیم اصغرزاده است؛ عضو شورای اول شهر تهران؛ پرمناقشه‌ترین شورا از بدو تأسیس تاکنون. حالا هم هر اتفاقی که در صحن شورای پنجم تهران رخ می‌دهد، همه حذر می‌دهند که مبادا به شورای اول تبدیل شود. با این حال اصغرزاده معتقد است، مشکل آن شورا این بود که حرف هم را نمی‌فهمیدیم. علاقه‌مند نبود تا به طور ویژه درباره شورای اول حرف بزنیم، زمان بیشتری مدنظرش بود. به همین دلیل بحث را از موضوعات مبتلا به اصلاح طلبی آغاز کردیم و در میانه هم به شورای اول گریز زدیم. معتقد است طیفی درون اصلاح طلبی شکل گرفته که به گفته او اصلاح طلبان پفکی هستند؛ آنها که به هر قیمتی در توجیه وضع موجود برمی‌آیند و همین تفسیر را هم در انتخاب شهردار آینده دارند، اما او تأکید دارد ضمن رعایت برخی موارد باید ایستاد و حرف زد.

به نظر می‌رسد محقق نشدن برخی از شعارها و مطالباتی که مردم برای برآورده شدن آن به روحانی رأی داده‌اند، جوی از ناامیدی در بخش‌هایی از جامعه ایجاد کرده است. این حس شاید بیشتر بین جوانان و زنان و البته فعالان مدنی و اجتماعی به واسطه برخی از برخوردها ایجاد شده است؛ یعنی طبقه‌ای که در کمپین‌های انتخاباتی نقش ایفا کردند. همین‌طور که شما گفتید، هیچ قدمی را در سال ۹۷ نمی‌توان برداشت، مگر اینکه به اعتراض‌های سال ۹۶ توجه کرد. فاصله بین دی ۹۶ و انتخاب آقای روحانی کمتر از هفت، هشت ماه بود. در این فاصله، تلاش برای مشارکت جویی بود و حتی تحریمی‌ها هم وارد عرصه شدند؛ اما در فاصله بسیار کوتاهی، جامعه یکباره احساس ناامیدی کرد، به این مفهوم که دولت توان تأمین مطالبات مردم را ندارد. همچنین حس بی‌اعتمادی به سیستم، به این مفهوم که توانایی تحقق مطالبات مردم را ندارد، تقویت شده و با هر حادثه‌ای هم تشدید می‌شود. مثل همین که ترامپ اعلام می‌کند قصد دارد از برجام خارج شود یا حوادث مختلف که در داخل ایران می‌افتد، به یک هذلولی ماریجی تبدیل می‌شود که همواره در حال بزرگ‌تر شدن است. با وجود موفقیت چشمگیری که اصلاح طلبان و نیروهای حامی روحانی در نیمه نخست سال ۹۶ به دست آوردند، در شش ماه دوم سال نتوانستند از وضعیت دولت دفاع کنند. بخشی از این ماجرا به خود دولت بازمی‌گردد، مثل چینش کابینه، حضور نداشتن زنان در کابینه و بی‌توجهی به مطالباتی که در کمپین‌های انتخاباتی شکل گرفته بود، باعث شد حتی ذخیره روحانی در مسئله برجام، با آمدن ترامپ و تشکیل یک کابینه ضد ایرانی کم‌رنگ شود. این شرایط یکباره جامعه را ناامید کرد. طبعاً در این فضا نیروهای مخالف و منتقد هم فضا را مناسب دیدند که علیه دولت کارشکنی کنند. این موضوعات باعث شد دولت روحانی اعتماد به نفس خود را از دست بدهد. همین که می‌گوید وزیران من روزه سکوت گرفته‌اند، نشانه انفعال دولت و شخص روحانی در این چند ماه است. اصلاح طلبان هم نتوانستند وضعیت مخالف‌خوانی‌ها را به نفع خود تغییر بدهند.

الان بخشی از اصلاح طلبان به منتقدان آقای روحانی تبدیل شده‌اند، یعنی اگر تا چند ماه پیش به هر شکلی از هر اقدامی حمایت کرده یا آن را توجیه می‌کردند، الان صریح‌تر مطالبات معوق را گوشزد کرده یا نقد می‌کنند. بخشی از این مواجهه‌ها، موضوعاتی است که در زندگی مستقیم مردم نقش دارد، مثل مباحثی که درباره فضای مجازی پیش آمد. بخشی هم همین بگیر و ببندهاست که باز دولت در برابر آن کاری انجام نداده است.

من با شما در این قسمت تا حدودی اختلاف نظر دارم. به نظرم، اصلاح طلبان در درون دچار شکاف شده‌اند. گروهی که «اصلاح طلبان بوروکرات» هستند- یعنی اصلاح طلبانی که در هر شرایطی می‌خواهند وضع موجود را توجیه کنند- اینها معتقد هستند ما باید با همان فرمانی که جامعه را به دو دسته تندرو و کندرو یا افراطی و اعتدالی تقسیم می‌کند، جلو برویم. این گروه در دولت هستند و روزه سکوت هم گرفته‌اند. اینها فکر می‌کنند نباید حرفی بزنیم و بعد از اعتراض‌های ۹۶ هم اولین اقدام آنها این بود که معترضان را اغتشاشگر دانستند. برخی فکر می‌کنند اصلاح طلبی یعنی به نوعی وضع موجود را توجیه کردن. اینها

بیشتر اصلاح طلبان پفکی و نمایشی هستند. اینها در مسئله شورای شهر و شهردار معتقدند شهردار باید کسی باشد که با همه بسازد یا درباره وزیر توصیه می‌کردند وزیری انتخاب شود که دستگاه‌های دیگر به آن اعتراض نداشته باشند. این گروه درباره مسائل مختلف فکر می‌کنند، شاید حتی کشور به مدیریت مثلاً آه‌نین نیاز دارد. وقتی با این گروه صحبت می‌کنید، می‌گویند دموکراسی و آزادی در طبقه چهارم یک ساختمان قرار دارد و فونداسیون و طبقه اول این ساختمان، توسعه اقتصادی و امنیت است. اینها معتقدند در ابتدا باید امنیت و اقتدار و ثروت ایجاد کنیم و بعد سراغ طبقات بالا برویم؛ اما بخش دیگر اصلاح طلبان معتقدند لزومی ندارد که تمام هویت اصلاح طلبی را پای دولت و وضع موجود بریزیم. ما باید بدانیم که بخش‌هایی از جامعه از ما عبور خواهند کرد؛ بنابراین باید گفتمان اصلاح طلبی را ارائه دهیم که قادر باشد به مسائل جدید جواب بدهد. برای این هدف، لازم است تعریفی از این نوع اصلاح طلبی در برابر اصلاح طلبی پفکی ارائه کنیم. این اصلاح طلبی به دنبال تغییر حکومت نیست، اما اعتقاد دارد که باید ایستادگی کرد و حرف زد. باید از جامعه مدنی و وعده‌هایی که داده شده دفاع کرد.

ولی اصلاح طلبان به نوعی با یک سازش دوباره وارد عرصه قدرت سیاسی شدند. ما از سال ۹۲ به دنبال گزینه‌هایی رفتیم که بتواند تعامل برقرار کند. این وضعیت تا چه زمانی باید باقی بماند یا اصلاً باقی ماند؟ تا دی ۹۶ اینکه ما از سال ۹۲ به جای دوگانه اصلاح طلب، اصولگرا، وارد دوگانه افراط و اعتدال شدیم، تصمیم درستی بود. ما باید شرایطی را ایجاد می‌کردیم که کشور به شرایط نرمال بازگردد. در دوگانه اعتدالی و افراطی، حرف اصلاح طلبان این بود که به اصولگرایان معتدل نزدیک بشوند... ولی به نظر می‌رسد این سیاست سازش، باید در مرحله‌ای بسته می‌شد. بله، دقیقاً.

چون از یک مرحله‌ای دیگر توجهات نتوانسته برای بدنه رای‌دهنده قانع‌کننده باشد.

درست است. از تابستان سال ۹۶ به این سمت، آقای روحانی به سمت راست چرخید و عدم موفقیت او (البته تا حدودی) در تحقق وعده‌ها باعث شد جامعه سرخورده شود.

در حقیقت، اول سرخورده‌گی جامعه رخ داد. چون اصلاح طلبان در مواجهه با دی ماه ۹۶ اعلام کردند که غافلگیر شدند. وقتی می‌گویند که غافلگیر شدیم، یعنی نمی‌دانستند زیر پوست شهر و جامعه چه می‌گذرد. یعنی مثلاً از وضعیت حقوق معوق کارگران خبر نداشتند. معترضان نمی‌گفتند که ما سهم نفت می‌خواهیم، یک نفر آنها نمی‌گفت که ما آزادی می‌خواهیم یا سهم در قدرت را طلب نکردند. می‌گفتند حقوق معوق ما را بدهید؛ بازنشستگان، گروه‌های ضعیف شهری و نهی‌دستان هم همین‌طور. اصلاح طلبان از این وضع خبر نداشتند، خود دولت هم خبر نداشت. یکی از گزارش‌های رسمی مستند شده که حوادث دی ماه ۹۶، بدون ریشه نبوده است. در شهرهایی که تظاهرات رخ داد، ماه‌های قبل و حتی سال قبل هم اعتراض‌هایی صورت گرفته بوده است. این نشان می‌دهد که ما به لحاظ سیستماتیک کور شده و نمی‌توانستیم اعتراضات را پیش‌بینی کنیم. به همین دلیل اعلام کردند غافلگیر شدند. فقدان حضور اصلاح طلبان در لایه‌های پایینی جامعه و نداشتن تحلیل درست، باعث شد که مردم، گروه مرجع خود را تغییر بدهند. یعنی حتی گروه‌هایی که تحریمی بوده و در این انتخابات وارد عرصه رای‌دادن شده بودند، اعلام کردند که دیگر اعتمادی نداریم. این وضع تا جایی پیش رفت که حتی بخشی از جوان‌ها به دلچکی که آن سوی مرزها نشسته، تاسی کردند. کسانی که برخی شعارها را می‌دادند برای نشان دادن اعتراض این شعار را سر می‌دهند نه چیز دیگری. دی ماه ۹۶ از این لحاظ قابل ملاحظه است که اصلاح طلبان قافیه را باختند و دو شقه شدند. یک شق، آنهایی که در دولت بوده و رفتار بوروکراتیک دارند و یک گروه همان منتقدانی که معتقدند چرا نباید به مطالبات عمومی جامعه توجه کرد. یک تخم مرغ می‌تواند جامعه را ملتهب کند. یا حتی همین نابسامانی ارزی نشان داد که این دولت، دولت ضعیفی است.

اصلاح طلبان، دولت را اصلاح طلب نمی‌دانستند. از طرفی معتقد بودند که دولت به توصیه‌های آنها توجهی نکرده است. پس شاید به نوعی آنچه از سوی دولت سر می‌زند را بتوانند با این نوع استدلال توجیه کنند. اما شوراهای شهر و شهرداری‌ها در جایی مثل تهران صددرصد در اختیار اصلاح طلبان است. فکر می‌کنید، عملکرد اصلاح طلبان در شورای شهر تا چه اندازه می‌تواند در واگرایی یا همگرایی بدنه رای‌دهنده مؤثر باشد؟

این به دلیل اهمیت شهر است. پایگاه اصلاح طلبان در شهرهاست. از این رو مسئله شورای شهر و شهرداری برای اصلاح طلبان مثل ویتربین است. اصلاح طلبان نمی‌توانند درباره کشاورزان معترضی که درباره آب اعتراض می‌کنند، حرفی بزنند، جامعه شهری مطالباتی دارد که بخشی از آن به زیست شهری بازمی‌گردد. شهرهای ما دو بخش دارد؛ بخشی که می‌خواهد از امکانات به‌روز استفاده کند و بخشی که تهیدست حاشیه‌نشین است و می‌خواهد زندگی خود را به استانداردهای شهری نزدیک کند؛ بنابراین در شهر هم بحث عدالت مهم است و هم نوآوری و ابتکار.

در قضیه تلگرام، مقام‌های دولتی ایده‌ای را طراحی کردند به نام کوچ از تلگرام. گفتند که چرا باید یک اپلیکیشن خارجی در ایران حدود ۴۰ میلیون کاربر داشته باشد اما وقتی هم خودش خارج شد و هم از بقیه خواست تا تلگرام را ترک کنند، در نهایت پنج، شش میلیون از تلگرام خارج شدند. این خودش یک فراندوم بود. آنهایی که در تلگرام باقی ماندند، پیامشان این است که باوجود همه استدلال‌های مطروحه، آنها این استدلال‌ها را نپذیرفته‌اند. اتفاق در حال وقوع این است که جامعه نسبت به سیاست‌گذاری‌ها کم‌اعتماد شده است. درباره مسئله شهر، این است که شهر به ویتربین تبدیل شده است..

آقای اصغر زاده شما عضو شورای شهر اول بودید و اصلاً یکی از طرفین آن دعواها. حالا همه در حال توصیه هستند که مبادا همان مسیر در شورای شهر پنجم هم تداوم پیدا کند. دعواهای شورای شهر اول، تا چه اندازه فردی و شخصی شده بود و تا چه اندازه ناشی از اختلافات احزاب بود؟

شورای اول، سیاسی بود. شهر تهران هم شهری بسیار مهم است و مهم‌ترین کانون تولید ثروت در کشور به‌شمار می‌رود. در حقیقت تصمیم‌گیری‌های شهرداری تهران می‌تواند بر کل کشور اثرگذار باشد. ما در شورای اول، حرف‌های خوبی می‌زدیم که دیده نمی‌شود. باین‌حال معتقدم که اشتباهاتی داشتیم. برای هر شورا، اولین شعار باید شهر باشد و دومین موضوع سیاست. آنها انتخاب شده‌اند که شهر را نجات بدهند. یادمان باشد که شهر تهران ۱۲ سال به جعبه سیاه تبدیل شده بود که از آن بی‌خبر بودیم. در ظاهر تهران رونق کاذب پیدا کرده بود اما نتیجه‌اش این بود که همه جای تهران به کارگاه ساخت‌وساز تبدیل شده بود. مردم فکر می‌کردند که پشت تمام این ساخت‌وسازها، بده‌بستان‌هایی صورت گرفته است. تهران تبدیل شد به صندوقچه اسرار اصولگرایان. وقتی اصلاح طلبان پیروز شدند، مردم توقع داشتند که شهردار تهران باید دست به شفاف‌سازی بزند. آقای نجفی از این لحاظ خوش درخشید...

بله. پورتالی که درباره شفافیت قراردادهای راه اندازی کردند یا برخی اقدامات در حوزه زنان... اما در این فضا برخی اعلام کردند اگر نجفی قصد داشت کنار بکشد، چرا آمد؟ متعاقب آن برخی اعلام کردند که آمدن نجفی و قبولاندن استعفا به او کار برخی ژنرال‌های اصلاح طلب بوده است. به طور مشخص انتقاد وارده این است که چرا برخی چهره‌های احزاب برای شورا تصمیم می‌گیرند؟

الزاما این رویداد، بد نیست. یعنی اینکه جریان‌های حامی اعضای شورای شهر، از بیرون نظر خود را اعلام کنند. فکر نمی‌کنم وقتی آقای نجفی شهرداری را پذیرفت، در ذهنش این موضوع وجود داشت که زودتر از حد معمول بخواند کنار برود. این هم ایراد اصلاح طلبان است که نتوانستند از او دفاع کنند. درباره اینکه جانشین نجفی چه کسی باشد، معتقدم که باید انتخاب شهردار فارغ از خط و ربط‌های سیاسی انجام بگیرد. شاید در شورای اول شهر تهران، این نقص وجود داشت که ما نمی‌توانستیم حرف‌های خود را برای هم ترجمه کنیم. بنابراین این طور تلقی می‌شد که نوعی جنگ قدرت بین احزاب در شورای اول در جریان است...

چه بسا حتی می‌گفتند که جنگ منافع شخصی. خب کار به جایی کشیده بود که اعضا، خصوصی‌های یکدیگر را در رسانه‌ها اعلام می‌کردند؛ مثلا می‌گفتند فلان عضو، فلان جا ویلا دارد یا مثلا درباره خود شما، مخالفت‌تان با ملک مدنی را به خاطر موضوع مشارکت اقتصادی که قبلا وجود داشته، اعلام می‌کردند!

اگر واقعیت داشت، مطمئن باشید که همان موقع حتما افشا می‌شد. منظورم این است که از خط سیاسی به موضوعات شخصی هم حتی کشیده شده بود... در دعواها این‌گونه موارد رخ می‌دهد. با این حال رفتار اقلیتی که معتقد بود رفتار اکثریت شورای شهر به شهر باید تغییر بکند، قابل دفاع است...

فکر می‌کنید در آن مقطع زمانی نباید این اتفاقات رخ می‌داد؟

خیر. فقط باید می‌توانستیم آنچه را می‌گذرد، به خوبی بیان کنیم. زبان ما الکن بود. در همان زمان مجلس ششم، تحقیق و تفحص از شهرداری صورت گرفت و بخشی از آن هم قرائت شد. به طوری که در آن گزارش حق را به شورای شهر داد؛ اما به هر حال ما در شرایط تأسیس بودیم. من مشکلی ندارم که سهمی از اشتباهات را به خودم اختصاص دهم و بپذیرم؛ اما باید با نگاه باز آن مقطع را بررسی کرد و هر کسی اشتباهات خود را بپذیرد. الان هم درباره شهر تهران، نباید این اشتباه صورت بگیرد که شهردار تهران تنها یک تخصص داشته باشد یا شهرداری باشد که چون وزیر بوده یا امکان ارتباط با اصولگرایان یا نظامیان را دارد؛ یعنی یا حاکمیت می‌تواند تعامل داشته باشد، انتخاب شود. این حرف فی‌نفسه بد نیست؛ ولی تعامل این نیست که ما هضم شویم. در اعتراضات دی‌ماه یکی از شعارهای مردم این بود که اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا. یعنی طوری تصویر شد که اصلاح طلبان و اصولگرایان دستشان در جیب یکدیگر است و دارای منافع مشترک هستند. این نزدیکی هویتی اصلاح طلبان و اصولگرایان در اعتراضات ۹۶، یک موضوع منفی بود. بخش‌هایی از اصلاح طلبان که می‌گفتند ما باید بخش‌های دیگر جامعه را هم ببینیم. ما با آنها در مقایسه با اصولگرایان هم پیمان‌تریم. درباره شهر تهران هم همین اتفاق در حال وقوع است. وقتی که احزاب سیاسی با آن وضع فجیع فهرست شوراها را بستند و از نظر من حذف نخبگان بود، درباره شهردار تهران نباید بگذاریم این اتفاق تکرار شود؛ یعنی نباید اتفاقی بیفتد که عناصر دست دوم دولت یا حزبی وارد شهرداری شوند. شهردار کسی است که باید کابینه تشکیل بدهد. برنامه داشته باشد. من در مصاحبه‌های اعلام کردم که از نظر من مأموریت آقای جهانگیری در دولت خاتمه پیدا کرده؛ یعنی چیزی نمی‌تواند به خود اضافه بکند، حرف‌هایش را هم در کمپین انتخاباتی زده است. الان باید وارد شهرداری شود. او می‌توانست یک کابینه قوی تشکیل بدهد. مسئله شهرداری، فقط مسئله درآمدزایی نیست؛ بلکه مسئله ایجاد درآمد پایدار است. ما باید به مردم بفهمانیم که مدیریت اصلاح طلبانه چگونه می‌تواند، مدیریت مشارکتی را در شهر پیاده کند. جهانگیری خوب بود؛ ولی خب نپذیرفت. من از چهره‌هایی که برای شهرداری کاندیدا شده‌اند، انتظارم این است که باید دو عنصر برنامه و کابینه را مدنظر خود قرار دهند. در برنامه باید، خیلی از موارد از جمله حاشیه‌نشینی‌ها، گروه‌های تهیدست شهری، مستأجران، خرده‌فرهنگ‌ها، گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و... را مورد توجه قرار دهد. اگر فقط فکر کند که شهر تهران را برای طبقه ممتاز جامعه باید طراحی کند؛ یعنی این شهر را به فروش برساند، همان چیزی می‌شود که در دوره قالیباف رخ داد. یعنی شکل‌گیری طبقه نوکسیه وابسته به مستغلات شهری.

یک بحث در این باره این است که دو حزب «اتحاد ملت» و کارگزاران در حال تصمیم برای شهر هستند، اتفاقاتی را که رخ داده تا چه اندازه حاصل برخوردهای این دو حزب می‌دانید؟ توصیه شما چیست؟

من اطلاعات زیادی در این باره ندارم. از طریق فضای مجازی اختلاف سلیقه آنها را دیده‌ام. توصیه اول من این است که شرایط را به سمتی نبرند که جوی از ناامیدی را به جامعه شهری القا کنند. ما الان در شرایط خوبی نیستیم. هم اصلاح طلبان و هم دولت تحت فشار قرار دارند. سال ۹۷ سال سختی خواهد بود و ممکن است با شرایط متفاوتی مواجه شویم که به کلان‌شهرها هم کشیده شود. در این شرایط توصیه من این است که یک قوه عاقله هماهنگی را در شورای شهر ایجاد کند. من ارتباط اعضای شورای شهر با بدنه اصلاح طلب را نفی نمی‌کنم؛ اما وقتی می‌گویم که فهرست شورا ضعیف چیده شده و معلوم شد که نوعی منفعت‌طلبی، خودمحوری و رفتار غیردموکراتیک حاکم است، اگر همین رفتار دوباره بخواند به شورای شهر منتقل شود، ما احتمالا درباره همین هفت نفر هم به تفاهم نخواهیم رسید و شرایط نامتعادل بر شهر حاکم خواهد شد. شهردار دچار روزمرگی شده و از طرفی اصلاح طلبان هم شروع به یارگیری می‌کنند. وقوع این شرایط وضعیت ما را بدتر می‌کند و به همین دلیل باید یک تصمیم سریع گرفته شود. جبهه اصلاحات باید در این باره تدبیر جدی اتخاذ کند. ما از فاصله فهرست انتخابات ۹۶، اگر درباره نقایص آن فکر کرده بودیم، مطمئنا می‌شد با ارائه یک مدل مسائل را عاقلانه‌تر حل کرد.

منبع/ روزنامه شرق

برچسب‌ها: [اصلاح طلبان](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

